

چالش های پدیده جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه با تاکید بر ایران

دکتر علیرضا استعلاجی^۱، نعمت حسین زاده^۲

۱- استاد گروه جغرافیای انسانی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

۲- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات اردبیل

چکیده

پدیده جهانی شدن با ایجاد دگرگونی در ابعاد مختلف زندگی به ویژه معماری شهرها، بعد خانواده و فرهنگ جوامع، مسأله‌ای است که خواه ناخواه ذهن تحلیلگران اجتماعی را به خویش مشغول کرده است. بر این اساس، بیشترین دلمشغولی تحلیلگران، متمرکز بر آسیب‌های فرهنگی و خانوادگی است که جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه و به ویژه ایران ایجاد می‌کند. شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه امروزه نسبت به آنچه که در مورد سرزمین های توسعه یافته تر در طول دوران شکوفایی انقلاب صنعتی اتفاق افتاده بود، با شتاب بسیار دامنه تری در حال وقوع است. هزاران سال است که شهرها کانون فرهنگ، اندیشه، تعامل اجتماعی انسان ها و جایگاه بالندگی شهرنشینی هستند. گرچه از هنگام پیدایش انسان در کره زمین، اکثریت افراد در آبادی ها، دهکده ها، شهرک ها و بافت های جمعی می زیسته اند اما با فرارسیدن قرن بیست و یکم و به ویژه در دو دهه پایانی قرن بیستم میلادی زمان وقوع دو رخداد مهم جهانی در تاریخ حیات بشری است. یکی از این دو رخداد شهری شدن و دیگری ظهور شهرهای جهانی است که بیشتر در کشورهای در حال توسعه نمود پیدا کرده است، تحول شهرهای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را باید به صورت رابطه پیچیده در ارتباط با نظام شهری جهان تلقی کرد زیرا همه شهرهای جهانی در کشورهای توسعه یافته واقع نشده اند هر چند محتمل است که این اصطلاح بیشتر شهرهای واقع در آمریکای شمالی و اروپا را در بر گیرد، اما مهم بودن شهرهای آسیایی و افزایش اهمیت برخی مراکز شهری آمریکای لاتین، ابعاد جدیدی را به نظریه پردازی مربوط به شهرهای در حال توسعه در عصر جهانی شدن افزوده است. پژوهش حاضر بر آن است تا اثرات جهانی شدن را در زمینه های مختلف سیاسی، اجتماعی، جمعیتی، معماری و شکل فیزیکی شهرها، فرهنگی را در کشورهای در حال توسعه و ایران مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. روش مورد استفاده در این پژوهش تطبیقی است یعنی به بررسی تاثیر فرآیند جهانی شدن و چالش های آن در کشورهای در حال توسعه و روندها، رویدادها، و اثرات مثبت و منفی این پدیده بر کلان شهرهای جهان سوم به ویژه شهرهای ایران با استفاده از روش مطالعه تطبیقی با تکیه با مطالعات اسنادی و کتابخانه ای پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می دهد که با تشدید فرآیند جهانی شدن، شهرهای کشورهای در حال توسعه از لحاظ الگوهای مصرف، فرهنگ عمومی و محیط ساخته شده به همتای غربی خود شبیه می شوند.

کلید واژه ها: جهانی شدن، کشورهای در حال توسعه، مگالاپلیس، چالش های جهانی شدن.

۱- مقدمه

جهانی شدن به معنی متراکم شدن جهان و انباشت آگاهی در دنیا است و در تفکر و عمل جهان به مشابه یک مکان واحد قلمداد می گردد که در آن جوامع ملی، به ویژه افراد مجبورند موجودیت خود را به عنوان بخشی از یک مجموعه بزرگ تر بپذیرند. گرچه پدیده جهانی شدن در حوزه اقتصاد مطرح شده ولی همه نظام های جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، و فرم فیزیکی شهرها (شکل شماره: ۱ الی ۴) را دستخوش تغییر کرده و این نظام ها نیز به نوبه خود جهانی شدن در حوزه اقتصاد را تقویت نموده اند. بنابراین جهانی شدن استفاده هرچه مطلوب تر از منابع و امکانات جهان برای رفاه حال افراد بشر و مبارزه با بی عدالتی است و برای دستیابی به این اهداف همکاری سازمان های دولتی و غیر دولتی ضروری است (نصیری، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

از پدیده های مهم امروز که سخن بسیار گفته شده شهرنشینی و روند تحول آن در عصر جهانی شدن می باشد و آن طی سه دهه اخیر، به سطح بالایی رسیده به عبارت دیگر، در خلال سی سال گذشته، جهت شهری در سطح جهانی، به بیش از دو برابر بالغ شده است. بر اساس پیش بینی های سازمان ملل طی سی سال آینده این پدیده در مناطق شهری در کشورهای در حال توسعه تکرار خواهد شد، به گونه ای که جمعیت شهری در این مناطق از جهان، از رقم ۱/۹ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ به آستانه ۴ میلیارد نفر در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید در حالی که در بقیه جهان، یعنی کشورهای پیشرفته صنعتی، در همان فاصله زمانی رقم ۹۰۰ میلیون به یک میلیارد نفر خواهد رسید (Chaste land & Chesnaï, 1997) اگر در حال حاضر به طور متوسط ۳۸ درصد جمعیت افریقا در مناطق شهری زندگی می کنند، براساس پیش بینی ها و مطالعات سازمان ملل تا سال ۲۰۳۰ این رقم به ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. اما این موضوع در مورد آسیا از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زیرا در این قاره غول های جمعیتی تعیین کننده در تحولات اجتماعی- اقتصادی و سیاسی منطقه ای و جهانی وجود دارند و مطالعه هر کدام از آن ها فصلی اختصاصی را می طلبد. این قاره باتوجه به حجم جمعیت آن، در سال ۲۰۳۰ رقم قابل توجهی از جمعیت شهرنشین را خواهد داشت. گرچه در حال حاضر میزان شهرنشینی در بخش وسیعی از این قاره، براساس برآوردهای بخش مطالعات جمعیتی واشنگتن پایین است، اما سازمان ملل گزارش داده است که بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰، کشور هند به تنهایی ۳۴۵ میلیون نفر، پاکستان نزدیک به ۱۰۰ میلیون و بنگلادش نیز بیش از ۵۰ میلیون شهروند جدید خواهد داشت. نکته قابل توجه، میزان تاثیر گذاری "کلان شهرها" در این تحولات است و باید گفت در تمامی کشورهای در حال توسعه از مجموع ۱۹ شهر با بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت در سطح جهانی ۱۵ شهر در این مجموعه قرار دارند و تا سال ۲۰۱۵، از ۲۳ شهر با مشخصات جمعیتی یاد شده، تعداد ۱۹ شهر در همان گروه خواهد بود که به ترتیب قاره های آسیا ۱۳ مورد، امریکای لاتین ۴ و افریقا ۲ مورد را از آن خود خواهد کرد. به علاوه، تا سال ۲۰۱۵ در مجموعه بزرگ کشورهای در حال توسعه، تعداد ۴۰۰ شهر شمارش خواهند شد که جمعیتی بیش از یک میلیون نفر خواهند داشت. اما امریکای لاتین وضعیتی متفاوت نسبت به دو قاره دیگر دارد. در این منطقه در فاصله سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰، نسبت شهرنشینی از ۷۵ درصد به ۸۳ درصد افزایش خواهد یافت (United Nations, 2001). بر پایه پیش بینی های سازمان ملل برای شهر نشینی در سطح جهان در سال ۲۰۰۰، روند تحولات شهرنشینی در فاصله سال های ۱۹۵۰ تا ۲۰۳۰، برای مناطق مختلف جهان به شرح جدول زیر خواهد بود.

جدول ۱: روند تحولات شهرنشینی برحسب مناطق مختلف جهان (به درصد)

سال	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۲۰۰۰	۲۰۳۰
منطقه				
امریکای شمالی	۶۴	۷۴	۷۷	۸۴
امریکای لاتین و کارائیب	۴۱	۶۱	۷۵	۸۳
اروپا	۵۲	۶۷	۷۵	۸۳
اقیانوسیه	۶۲	۷۱	۷۰	۷۶
افریقا	۱۴	۲۵	۳۸	۵۴
آسیا	۱۷	۲۵	۳۷	۵۳

منبع: United Nation, 2001



شکل (الی ۴): تصاویری مختلف از فرم فیزیکی کشورهای در حال توسعه در عصر جهانی شدن

۲- روش تحقیق

در این مقاله پدیده جهانی شدن و چالش های آن در کشورهای در حال توسعه و روندها، رویدادها، و تاثیرات آن بر معماری، فرهنگ، اجتماع و خانواده کلان شهرهای جهان سوم به ویژه در شهرهای ایران و عوامل مثبت و منفی این پدیده با استفاده از روش مطالعه تطبیقی و مدل سوات با تکیه بر مطالعات اسنادی و کتابخانه ای مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. همچنین با مشاهده معماری معاصر کشورهای مهم جهان و تفاوت معماری این شهرها در عصر جهانی شدن و تاثیر آن بر شهر تهران در پیشرفت به سمت جهانی شدن مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

۳- اهداف پژوهش

هدف کلی در این پژوهش بررسی تاثیر فرآیند جهانی شدن و چالش های آن در شهرهای کشورهای در حال توسعه در زمینه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی با تأکید بر ایران و پاسخ به این سوالات که؟

۱. بیشترین چالش های پیش روی جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه بیشتر در چه زمینه هایی خواهد بود؟

۲. در عصر جهانی شدن روندهای شهر و شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه و کشور ایران چگونه خواهد بود؟

۳. آیا پدیده جهانی شدن تاثیری بر معماری و شکل کالبدی شهرهای ایران داشته است؟

تحقیق حاضر در جستجوی تجسم درک واقعیاتی است که طی سال های اخیر و در نتیجه جهانی شدن در شهرهای کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران اتفاق افتاده است که در چهارچوب مطالعه تطبیقی به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۴- مبانی نظری پژوهش

جهانی شدن مجموعه ای از فرایندهای چند بعدی و پیچیده است که عرصه های متعددی از جمله اقتصاد، ایدئولوژی، سیاست، فرهنگ و محیط زیست را در بر می گیرد. منطق جهانی شدن اساساً در منطق سرمایه داری، یعنی حفظ و بسط فرایند تکاثر سرمایه ریشه دارد و از این رو اقتصاد در جبهه مقدم فرایند جهانی شدن قرار می گیرد (Gills, 2002).

در این عرصه، جهانی شدن عبارت است از ادغام شتابان اقتصادهای محلی و ملی در اقتصاد جهانی، ادغامی روبه رشد که با جریان کالاها و خدمات، سرمایه، فناوری، و اطلاعات در فراسوی مرزهای ملی همراه است. با بسط گسترده دید. می توان روند جهانی شدن را در سایر عرصه های زندگی بشر نیز مشاهده کرد. ارتباطات و تعاملات ملتها علاوه بر زمینه های اقتصادی به سایر حوزه های فعالیت نیز تسری یافته و فعالیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی، علمی، مذهبی و حتی ورزشی را در بر گرفته است. جهانی شدن یک جریان مستمر از مسیر تاریخی بین المللی شدن است که موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر از ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه زیست محیطی شده است. به قول مانوئلا لوکاس، جهانی شدن موجب شده که مشکل شما مشکل ما بشود. جنگ در یک

کشور هجوم پناهندگان به کشورهای دیگر را در پی آورد و مسائل زیست محیطی در یک کشور مسبب بروز فاجعه در سایر کشورها شود (Lucas, 2004).

از نگاهی دیگر، می توان جهانی شدن را راهبرد کشف فرصتها در نقاط مختلف جهان و استفاده از آنها به منظور بهینه سازی فعالیتهای یک موسسه قلمداد کرد (Robinson, 2011 & Pearce).

تصور عمومی بر این است که استقرار جمعیت اکثراً در شهرهای بزرگ تحقق یافته است و این شهرها خارج از مقیاس اقتصادی بهینه رشد یافته اند و از آنجایی که سازوکارهای اقتصادی قادر به جلوگیری از رشد آنها نیستند، لزوماً سیاست های خاص جهت تشویق عدم تمرکز، تعادل فضایی و توسعه مرکز شهری باید گسترش یابد. با بررسی نظام سلسله مراتب شهری در کشورهای در حال توسعه به این نتیجه می رسیم که گرایش به قطبی شدن پایتخت های جهان سوم و سپس کلان شهرهای منطقه ای و روند تغییرات به سمت ثبات نسبی جمعیت شهرهای متوسط و بلاخره افزایش تعداد شهرهای کوچک در جهان می باشد. به عنوان مثال در کشور ایران، تهران به عنوان شهر اول از هر لحاظ از شهرهای بعدی واجد فاصله بسیار است و کلان شهرهای مشهد، اصفهان و تبریز نیز فاصله بسیاری با پایتخت و شهرهای بعد از خود دارند (نظریان، ۱۳۷۲، ص ۱۷).

در حال حاضر جهان عصر کاملاً در شهرنشینی را از سر می گذارند. امروزه کشورهایی که جهان در حال توسعه یا کشورهای جنوب را تشکیل می دهند با بالاترین آهنگ شهرنشینی مواجه اند. شهرنشینی توأم با فقر و کثرت جمعیت یکی از مهم ترین فرایندهایی است که کشورهای جهان سوم را در قرن حاضر متاثر کرده است. شهرنشینی به طور کلی تقریباً به عنوان نشانه مستقیم مدرن بودن، توسعه و رشد اقتصادی تلقی می شود. طی تاریخ، صنعتی شدن و شهر نشینی در کنار یکدیگر ظهور کرده اند. اما این رابطه ساده یکنواخت که بیش از شش هزار سال، یعنی از زمان ظهور نخستین شهرها برقرار بوده، در طول چهار دهه گذشته دستخوش دگرگونی بنیانی شده است.

۵- افزایش جمعیت و تعداد شهرها در فرایند جهانی شدن و پیش بینی ها تا سال ۲۰۲۵

بررسی آمار جهانی نشان می دهد که در اوایل دهه ۱۹۲۰ تعداد شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر در جهان ۲۴ شهر بود. ۶۰ سال بعد یعنی دهه ۱۹۸۰، تعداد این شهرهای میلیونی به ۱۹۸ افزایش پیدا کرد. این روند افزایش بیشتر در کشورهای در حال توسعه و در شهرهای میانی بر اثر روندهای مهاجرتی صورت گرفته است و تا کنون نیز ادامه دارد، در این میان شهرهای میلیونی به طور روز افزون با قلمروهای حاره ای و جنب حاره ای پیوند خورده اند. و رشد تعداد شهرهای بزرگ یا میلیونی در طول ۱۰ سال گذشته توجه زیادی را به خود جلب کرده است (گیلبرت، ۲۰۰۰، ص ۸۸).

جدول ۲: توزیع جهانی شهرهای با بیش از یک میلیون نفر جمعیت در دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۸۰

دوره زمانی	تعداد شهرهای میلیونی	متوسط عرض جغرافیایی نسبت به استوا(شمال یا جنوب)	جمعیت (میلیون)	درصد جمعیت جهان ساکن در شهرهای میلیونی
اوایل دهه ۱۹۲۰	۲۴	۴۴ درجه و ۳۰ دقیقه	۲/۱۴	۲/۸۶
اوایل دهه ۱۹۴۰	۴۱	۳۹ درجه و ۲۰ دقیقه	۲/۲۵	۴
اوایل دهه ۱۹۶۰	۱۱۳	۳۴ درجه و ۴۴ دقیقه	۲/۳۹	۸/۷۱
اوایل دهه ۱۹۸۰	۱۹۸	۳۴ درجه و ۷ دقیقه	۲/۵۸	۱۱/۳۶

منبع: (گیلبرت، ۲۰۰۰، ص ۸۸)

در رابطه با رشد جمعیت نیز می توان چنین گفت که نظر بر این بوده است که تا سال ۲۰۰۰ حدود نیمی از جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه در شهرهای یک میلیونی یا بیشتر زندگی می کنند. در سال ۱۹۵۰، ۳۱ شهر یک میلیونی یا بزرگتر در کشورهای در حال توسعه وجود داشت، اما در سال ۱۹۸۵ این تعداد به ۱۴۶ رسید. پیش بینی شده است تا سال ۲۰۲۵ تعداد شهرهای یک میلیونی یا بزرگتر در کشورهای کمتر توسعه یافته به ۴۸۶ برسد. با توجه به این واقعیت ها می توان چنین نتیجه گرفت که وجود بزرگترین مکان های شهری در جهان بیشتر ویژگی های کشورهای در حال توسعه است تا کشورهای توسعه یافته (پیران، ۱۳۶۸، صص ۴۵-۴۰).

همچنین افزایش کلی بین سال های ۱۹۵۰ و ۲۰۰۰ در سطح شهرنشینی نواحی بیشتر توسعه یافته و کمتر توسعه یافته رخ داده است، پیش بینی شده که تا سال ۲۰۰۷، ۷۴/۸ درصد جمعیت کشورهای بیشتر توسعه یافته و فقط ۳۹/۵ درصد جمعیت نواحی کمتر توسعه یافته ساکن شهرها شدند. تا سال ۲۰۲۵ این نسبت برای کشورهای توسعه یافته ۷۹ درصد و برای کشورهای در حال توسعه ۵۶/۷ درصد افزایش خواهد یافت. داده های مندرج در جدول (۳) بعضی از نتایج این فرایند شتابان شهرنشینی را در مناطق در حال توسعه جهان را نمایان می کند. تصور شده است که تا سال ۲۰۲۵، حدود ۶۰ درصد کل آفریقای ها در سکونت های شهری زندگی کنند، در همین سال حدود نیمی از آسیایی ها شهرنشین خواهند بود. همچنین در سال ۲۰۲۵ تقریباً ۸۵ درصد کل ساکنان آمریکای لاتین در شهرهای کوچک و بزرگ زندگی خواهند کرد (پارتر، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵).

جدول ۳: نسبت جمعیت ساکن در مناطق شهری در نواحی بیشتر توسعه یافته و کمتر یافته طی سال های ۱۹۲۰-۲۰۲۵

درصد کل جمعیت ساکن در نواحی شهری				منطقه
۲۰۲۵	۲۰۰۰	۱۹۷۰	۱۹۲۰	
۶۰/۵	۴۶/۷	۳۷/۲	۱۹	جهان:
۷۹	۷۴/۸	۶۶/۶	۴۰	نواحی بیشتر توسعه یافته
۵۶/۹	۳۹/۵	۲۵/۵	۱۰	نواحی کمتر توسعه یافته
۵۷/۸	۴۱/۳	۲۲/۹	۷	آفریقا:
۴۸	۳۰/۱	۱۰/۳	-	شرق آفریقا
۶۳/۷	۴۷/۶	۲۴/۸	-	آفریقای مرکزی
۶۵/۳	۴۹/۹	۳۶	-	شمال آفریقا
۷۴/۲	۶۱/۷	۴۴/۱	-	جنوب آفریقا
۵۸/۹	۴۰/۷	۱۹/۶	-	غرب آفریقا
۸۴/۸	۷۷/۲	۵۷/۳	۲۲	آمریکای لاتین
۷۵/۵	۶۵/۵	۴۵/۷	-	حوزه دریای کارائیب
۸۰/۵	۷۱/۱	۵۴	-	آمریکای مرکزی
۸۷/۵	۸۱	۶۰	-	آمریکای جنوبی
۵۳	۳۵	۲۳/۹	۹	آسیا
۴۹	۳۲/۶	۲۶/۹	-	شرق آسیا
۵۴/۳	۳۵/۵	۲۰/۲	-	جنوب شرق آسیا
۵۲/۶	۳۳/۸	۱۹/۵	-	جنوب آسیا
۷۶/۳	۶۳/۹	۴۳/۲	-	غرب آسیا

منبع: (پارتر، ۱۳۷۶، ص ۱۱۷)

۶- بحث و نتایج

۶-۱- تاثیرات سیاسی جهانی شدن بر کلان شهرها

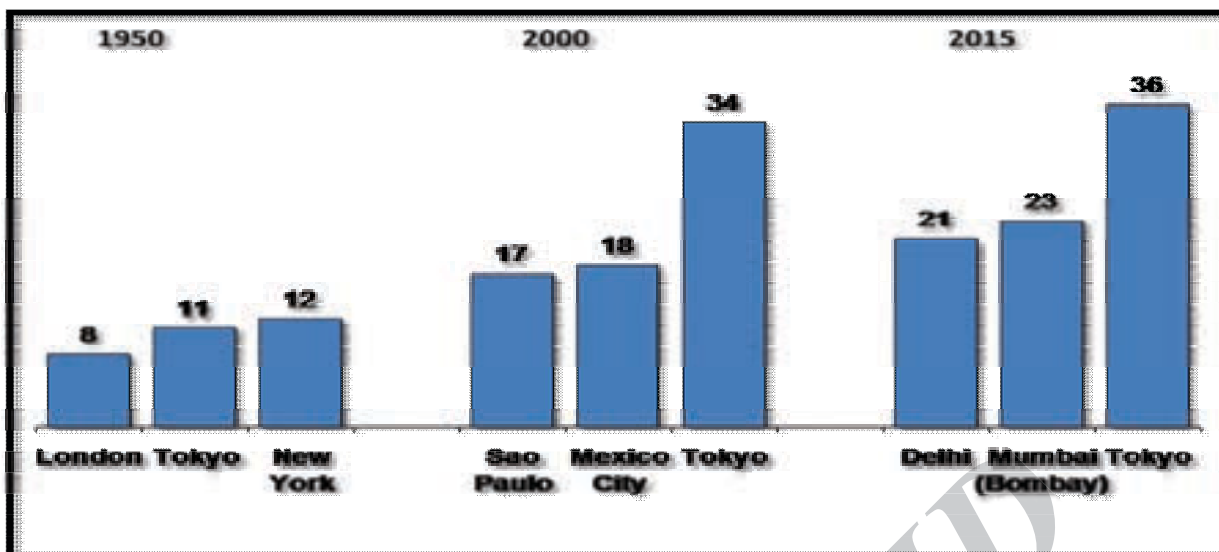
در آغاز هزاره سوم میلادی و قرن بیست و یکم یک پرسش محوری بر معرفت و اندیشه آدمیان سایه افکنده و آن اینکه آیا به واقع جهان امروز تغییر کرده و بر مدار دیگری می چرخد یا شناخت و تفسیرها از جهان دستخوش تحول شده است کثرت اندیشه های نو مطرح شده در سال های پایانی قرن بیستم و آغاز هزاره سوم میلادی، خبر از یک تحول بنیادی در روش و بینش و دانش های دوران تجدد و ورود به دوره موسوم به پسامدرن را می دهد. جهانی شدن از یک سو چهارچوب مفهومی برای تبیین واقعیت های جاری جهان است و از سوی دیگر مبین نوعی جهان بینی و اندیشیدن در باره جهان به عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته است که باعث گرایش و علاقه به شهرنشینی بیشتر می شود (شکل ۷)، البته سابقه این امر به دوران های قبل باز می گردد و به نظریه: دهکده

جهانی^۱، مک لوهان^۲ در دهه ۱۹۶۰ تنها تظاهرات جدید آن است. از منظر روش شناسی، پدیده جهانی شدن سیاست سبب می شود منظومه های به هم پیوسته جهانی از نگاه جدیدی مورد مطالعه و نقد و بررسی قرار گیرد (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۹). به اعتقاد برخی متفکران جهانی شدن یک گزینه انتخابی نیست که اداره کنید آن را بپذیرند یا نه، بلکه کاروانی است که هم زمان در همه شاهراه های دنیا به سرعت در حال حرکت است و کشورها نیز توان متوقف کردن آن را ندارند و تنها چاره پیوستن آگاهانه به آن است و کشورهایی که در مقابل جهانی شدن مقاومت کنند دیر یا زود به انزوا کشیده خواهند شد. جنبه بسیار مهم سیاسی - جمعیتی در شهر نشینی کشورهای در حال توسعه افزایش تعداد مطلق مکان های غول آسای جمعیتی است که پا گرفته است (جدول ۴). به طوری که افزایش جمعیت این کشورها در مواردی بیشتر از جمعیت و وسعت کشورهای توسعه یافته می باشد. که ناشی از کاهش میزان مرگ و میر، با پیشرفت تسهیلات بهتر پزشکی و بهداشتی است که عواقب این امر باعث افزایش جمعیت جوان، بیکاری، کمبود مسکن و غذا، تورم و افزایش قیمت کالاها و در نتیجه نارضایتی عمومی و ملی از حکومت را به دنبال دارد (پارتر، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

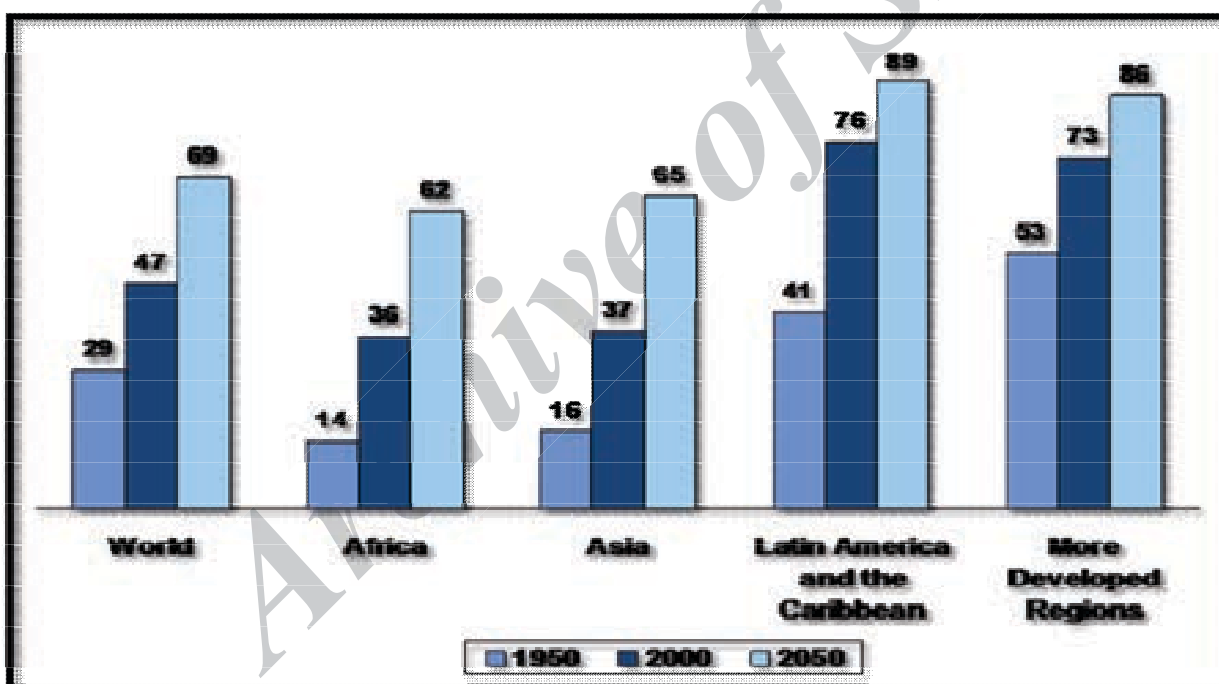
جدول ۴: رتبه بندی و مقایسه کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه یافته

رتبه	شهر	جمعیت	مساحت (km ²)	تراکم جمعیت (/km ²)	کشور	قاره
۱	شانگهای	۲۲۰۰۰۸۱۳۳	۲۶۶۰۵۰۸	۶۸۸۴۵	چین	Asia
۲	استانبول	۱۲۰۵۶۵۰۰۵۲	۵۰۳۴۳	۲۰۴۸۱	ترکیه	Europe & Asia
۳	کراچی	۱۳۰۶۹۷۰۰۰	۳۰۵۲۷	۵۰۷۰۰	پاکستان	Asia
۴	بمبئی	۱۵۰۳۷۱۰۴۴۷	۶۰۳	۲۰۰۶۹۴	هند	Asia
۵	پکن	۱۰۰۳۳۵۰۰۰	۱۰۳۶۸۰۳۲	۷۰۴۰۰	چین	Asia
۶	مسکو	۱۲۰۳۷۴۰۰۰	۲۰۵۱۱	۴۷۰۰۵	روسیه	Europe
۱۰	دهلی	۱۱۰۰۰۷۰۸۳۵	۱۰۳۹۷۰۲۹	۷۰۸۷۷۰۹	هند	Asia
۱۱	سئول	۱۰۰۵۷۵۰۴۴۷	۶۰۵۰۲۵	۱۷۰۴۷۳	کره جنوبی	Asia
۱۳	جاکارتا	۹۰۵۸۸۰۱۹۸	۶۶۲۰۳۳	۱۴۰۴۷۶	اندونزی	Asia
۱۴	توکیو	۸۰۸۸۷۰۶۰۸	۶۱۷۰۱۸	۱۴۰۴۰۰	ژاپن	Asia
۱۶	کینشاسا	۸۰۷۵۴۰۰۰	۲۰۰۱۶	۴۰۳۴۲	کنگو	Africa
۱۷	تهران	۸۲۴۴۵۳۵	۷۶۰	۱۰۰۳۵۹	ایران	Asia
۱۹	نیویورک	۹۰۰۵۷۰۰۰	۷۸۹۰۴	۱۰۰۴۴۴	ایالات متحده	North America
۲۰	لندن	۸۰۳۷۴۰۱۰۰	۱۰۵۸۰	۴۰۸۶۳	بریتانیا	Europe
۳۰	قاهره	۶۰۷۵۸۰۵۸۱	۴۵۳	۱۷۰۱۹۰	مصر	Africa

منبع: (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰)



شکل ۶: بزرگترین شهرهای جهان از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۱۵

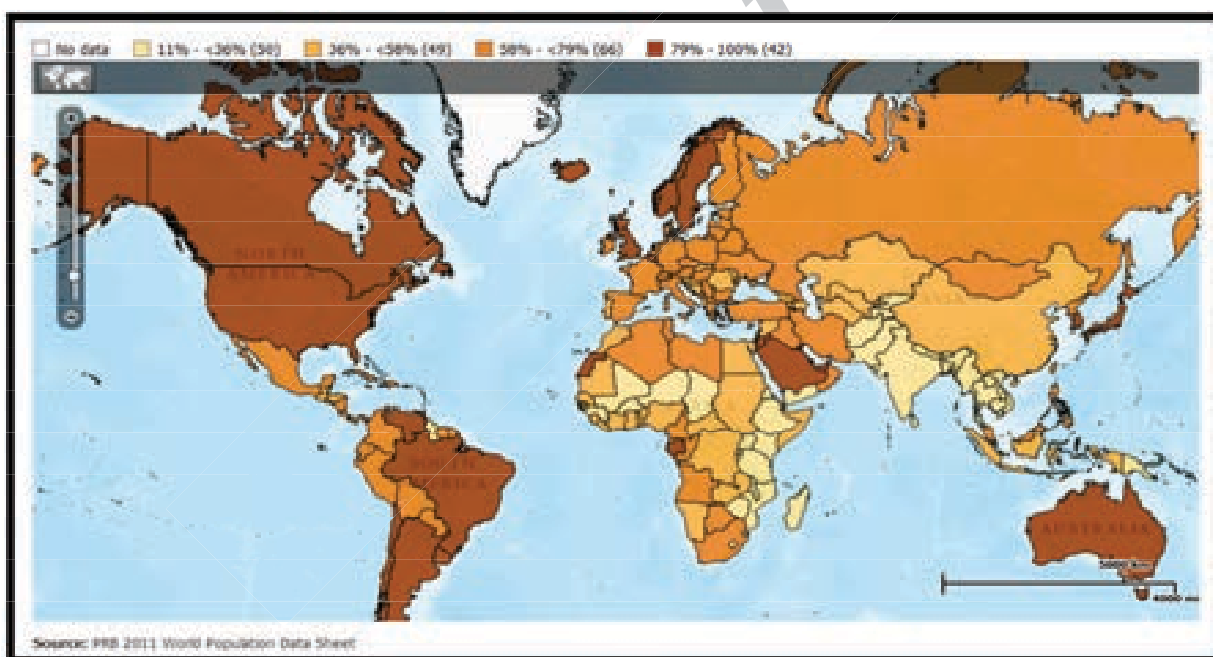


شکل ۷: گرایش به شهری شدن در مناطق مختلف جهان (به درصد)

۶-۲- جهانی شدن و ساختار شهری در کشورهای در حال توسعه و ایران

بسیاری از شهرهای در حال توسعه در ۵۰ سال گذشته دستخوش دگرگونی‌های ساختاری عمده شدند، به ویژه این تحولات ناشی فرایندهای شتابان استعمار زدایی بوده که در آسیا، آفریقا و حوزه کارائیب رخ داد. به علت اینکه انسان‌ها به خاطر ایجاد خطوط جدید ارتباطی و حمل و نقل و تغییر در شکل تجارت و رسانه‌ها هر چه بیشتر به هم نزدیک می‌شوند، بنابراین مفهوم شهرهای جهانی توجه جغرافیایی بیشتری را جلب کرده است. شهرهای جهانی مکان‌هایی با تعامل متمرکز پنداشته می‌شوند که نقش اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مهمی در انباشت سرمایه

برعهده گرفته اند. جایگاه شهر جهانی به شهرهایی نسبت داده می شود که مراکز قدرت اند و انباشت سرمایه های عظیم اند و آنها بخش نامتناسبی از مهم ترین کسب و کار جهان را برده می شوند (نصیری، ۱۳۷۸، ص ۵۰). همه شهرهای جهانی در کشورهای در حال توسعه واقع نشده اند. باتوجه به این که شهرها پیوسته دستخوش تحولات ناشی از شرایط اجتماعی و اقتصادی کلان رایج قرار می گیرند، شگفت آور نیست که در دهه گذشته مسئله چگونگی تاثیر جهانی شدن بر شهرهای کشورهای در حال توسعه توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۷۹، صص ۱۰-۲). در واقع شهرهای کشورهای در حال توسعه در حال تحول اند اما غالباً از ماهیت این تغییر به نادرستی برداشت شده است. در یک سو، دیدگاه های عمومی اند که معتقدند به عنوان نتیجه جهانی شدن، به ویژه به ویژه در ارتباط با فشردگی زمانی- فضایی جهانی، شهرهای کشورهای در حال توسعه به خصوص از لحاظ الگوی مصرف، فرهنگ عمومی و محیط ساخته شده به همتهای غربی خود شبیه می شوند اما در سطحی دیگر روشن است که فرهنگ عمومی و تولید غربی به دلخواه در دسترس همه بخش های جمعیت قرار نمی گیرند. در واقع، میزان نابرابری اجتماعی و رشد رشد شتابان شهرهای کشورهای در حال توسعه دو عاملی اند که آنها را از شهرهای سرمایه داری پیشرفته ممتاز می کند (مهرعلی زاده، ۱۳۸۶، صص ۷۲-۷۰).



شکل ۸: درصد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه شهرهای جهان

۶-۳- جهانی شدن و تاثیرات آن بر فرهنگ و اجتماع کشورهای در حال توسعه

فرایند جهانی شدن، ابعاد و دامنه آن آنقدر وسیع و گسترده است که تمام شئون زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده است، تا جایی که برخی از صاحب نظران آن را به عنوان بزرگترین رخداد تاریخ بشری یاد کرده اند. به طوری که چند دهه گذشته در پرتو توسعه انقلاب ارتباطات الکترونیکی، مفهوم فاصله و فضا به گونه ای غیرقابل تصور در هم ریخته است. بی گمان فرهنگ را باید مهم ترین و غنی ترین منبع هویت دانست. افراد و گروه ها همواره با توسل به اجزا و عناصر فرهنگی گوناگون در جامعه هویت می یابند. زیرا این اجزا و عناصر توانایی چشمگیری در تامین

نیازهای انسان به متمایز بودن و ادغام شدن در جمع دارند (Perterson, 1999:78). بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه در ۵۰ سال گذشته دستخوش دگرگونی‌ها و تحولات ساختاری عمده‌ای شده‌اند، "رولند رابرتسون" می‌گوید: جهانی شدن علاوه بر تاثیراتی که بر حوزه‌های سیاست و حکومت، اقتصاد و محیط زیست می‌گذارد به نظر می‌رسد که پیش و بیش از همه در حوزه فرهنگ تاثیر خود را نهاده است و گرایش بیشتری در این راه از خود نشان داده است به طوری که از آن‌گاه به جهانی شدن فرهنگ یا جهانی سازی فرهنگی یاد می‌کنند. شاید هیچ چیز بیش از اختراع‌ها و ابتکارهای علمی و صنعتی زمینه این جهانی شدن فرهنگی را فراهم نکرده باشد. ویژگی‌های مشترکی که برای فناوری نوین شمرده است عبارتند از: کوچک سازی، شخصی سازی، فشرده سازی، ایجاد ارتباط و استقلال طلبی که ریشه در جوامع سرمایه داری پیشرفته دارد. این فناوری نوین سه پیامد عمده هم برای جهانی سازی فرهنگ در پی داشته که عبارتند از:

۱. صدور اخبار، اطلاعات، برنامه‌های سرگرم کننده و کالاهای مصرفی از مرکز به پیرامون که توأم با آرمان

سازی از شیوه زندگی غربی صورت می‌گیرد.

۲. جذب ملت‌ها به فرهنگ غربی و زبان مشترک و عمومی که انگلیسی است در حالی که فرهنگ‌ها و زبان

های دیگر به حوزه‌های محلی و داخلی محدود شده‌اند.

انگلیسی به عنوان زبان استعمار امروزه زبان رایج و رسمی همه کشورهای مستعمره سابق انگلستان از جمله ایالات متحده، استرالیا، آفریقای جنوبی، هند، پاکستان و کانادا می‌باشد و در نقطه مقابل زبان‌های بومی چون استاندارد و مدون نشده‌اند به راحتی قابل تشخیص نیستند و معلمان کافی هم برای آن تربیت نشده‌اند. هفتصد میلیون جمعیت آفریقا به بیش از هزاران زبان متمایز صحبت می‌کنند که در نیجریه که زبان انگلیسی زبان مسلط است فقط ۴۰۰ زبان در میان ۲۵۰ گروه قومی رواج دارد اقتصاد جهانی و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی بر ساختار شهر و محیط ساخته شده آن اثر می‌گذارند و در نتیجه آن سازمان‌های اجتماعی شهر متاثر می‌شوند (تامپسون، ۱۳۸۱، ص ۲۵۴).

در شهرهای کشورهای در حال توسعه، مانند هر جای دیگر، دسترسی به نیازهای اولیه نه تنها تحت تاثیر گزینش اقتصادی منطقی و میزان دسترسی به منابع قرار داد، بلکه از فرایندهای سیاسی و اجتماعی که به دسترسی نابرابر در بین گروه‌های مختلف مردم می‌انجامد نیز تاثیر می‌پذیرد. این دیدگاه که زندگی شهری تفاوت‌های قومی و طبقاتی را کاهش می‌دهد، پایه و اساس درستی ندارد زیرا همه شهرهای سراسر جهان در هنگام رکود اقتصادی با بحران‌هایی مواجه می‌شوند که تشدید تفاوت و تمایز بین ساکنین آنها را به همراه دارد. اگر مطابق گفته سیمون (۱۹۸۹) مردم همان منابع نهایی هستند پس توسعه یک شهر دقیقاً با رفاه ساکنان آن مرتبط است. نیروی کار سالم و تحصیل کرده بهتر می‌تواند در جهت استقرار دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابری تلاش و در توسعه اقتصادی مشارکت کند. بنابراین عدم برابری در تامین نیازهای اولیه شهروندان بر میزان نابرابری اجتماعی در شهرها تاکید دارد که این نابرابری حاصل ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متداول است که جملگی تحت تاثیر فرایند جهانی شدن قرار دارند (سیمون، ۱۹۸۹، ص ۹۳).

جهانی شدن باعث اختلاط فرهنگ ها شده است. فرهنگ جدید با فرهنگ بومی اختلاط پیدا می کند و یک فرهنگ جدید به وجود می آید. خرده فرهنگ ها در فرهنگ غالب ذوب می شوند هرچند در سالهای پیش کشمکش های فرهنگی در زمینه قومیت ها و زبان ها در کشورهای چند قومیتی وجود داشت اکنون بحث جهانی شدن در این زمینه تاثیر گذاشته و شاهد کاهش کشمکش ها در سال های آینده خواهیم بود (سلیمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱).

۶-۴- شهرهای دوگانه جهان سوم، در عصر جهانی شدن

هوراث شهر استعماری را در حکم شکل خاصی طبقه بندی می کند که حاصل سلطه مهاجران استعمارگر بریک تمدن بومی است. شهرهای استعماری به خاطر عملکرد بازرگانی خود اغلب از طریق اختلات شکل های شهری اروپایی با شیوه های سنتی، مذهبی و فرهنگی بومی پا گرفتند در نتیجه ساخته شدن یک شهر جدید اروپایی در نزدیکی یک شهر بومی قدیمی، مانند دهلی نو و کهنه، برخی از شهرهای استعماری به عنوان شهرهای دوگانه باز شناخته شده اند. فرایندهایی را که از طریق آنها شهرهای استعماری شکل گرفتند شهر نشینی وابسته می گویند، زیرا شهرها به صنایع واقع در کشور متروپل متکی بودند. ساختار شهر استعماری نسبتاً خاص هم است، زیرا نه تنها از طریق ایدئولوژی شهری استعمارگران بلکه از طریق نقش هریک از شهرها به عنوان نماینده و عامل امپریالیسم نیز تعیین می شود. بعضی شهرها صرفاً مراکز اداری بودند در حالی که دیگر شهرها به عنوان پیوندگاه های حمل و نقل یا مراکز فعال ایجاد محصول مازاد اجتماعی عمل می کردند. ساختار شهر استعماری با توجه به فرهنگ مستعمره نشینان نیز فرق می کند. به نظر سایمون (۱۹۸۹)، در کشورهای آفریقایی معماری و سازمان اجتماعی شهرهای استعماری پرتغالیان، نظیر لواندا و اپوتو، با شهرهای لوزاکا و حراره که تحت کنترل بریتانیایی ها اداره می شدند، تفاوت می کردند (حمیدزاده، ۱۳۸۵، صص ۱۳-۱۲).

در علم جغرافیا موقع فضایی بازتابی از نیروهای اجتماعی به شمار می آید. در شهرهای جهان سوم نیز همان نیروهای اجتماعی، تعیین کننده ساخت فضایی شهرهاست. هر شهر جهان سومی، دوگانگی^۲ خاصی را به نمایش می گذارد. یکی شهر بومیان و دیگری شهر مدرن یا شهر امروزی که در کنار یکدیگر قرار دارند. در شهرهای بومی بخش اصلی شهر، بازار مرکزی شهر است. هر بخش از شهرهای بومی بر پایه اعتقادات مذهبی و سایر عوامل از سایر بخش های شهری جدا می گردد و نوعی جدایی گزینی محیط زیستی را به وجود آورده است (شکویی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷). گاهی اوقات حتی فاصله کالبدی این دو بخش از شهر (شهردیروزی- شهرامروزی) را از هم جدا می کند و مهم تر از همه در این گونه شهرها الگوهای مشابه جدایی گزینی اجتماعی، اقتصادی، و مکانی نیز تقویت می شوند (دیوید دراکاسیس، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

قسمت بومی شهر جهان سومی، از هیچ طرح و نقشه شهری تبعیت نمی کند و هیچ گونه اصول شهرسازی در آنها رعایت نشده است. کوچه ها و خیابان ها تنگ، تراکم جمعیت زیاد در بیشتر موارد این منطقه چسبیده به آلونک نشین ها می باشد (شکویی، ۱۳۷۲، ص ۹۱). در مقابل در قسمت پیشرفته شهر دفاتر شرکتهای چند ملیتی، سازمان های تجارت جهانی، سازمان های غیر دولتی، بانک ها و غیره قرار دارند (بهکش، ۱۳۸۴، صص ۳۲۹-۳۲۳).

هتل های معروف، مراکز عمده فروشی، فروشگاه های زنجیره ای، ساختمان های بلند مرتبه شیشه ای از دیگر چشم اندازهای قسمت امروز کلان شهر جهان سومی است. کاربری زمین^۱ در قسمت پیشرفته کلان شهر جهان سومی بیشتر خدماتی و گرایش به سمت وسایل الکترونیکی است. شهر در این منطقه رشد عمودی دارد. آمد و شد مردم و وسایل نقلیه در این قسمت از شهر کم است و خرید و فروش و تجارت بیشتر تجاری است.

۶-۵- بالارفتن مصرف مواد خام در کشورهای در حال توسعه

در دهه های اخیر شدت مصرف انرژی کشورهای در حال توسعه به ویژه مناطقی مثل خاورمیانه افزایش یافته و در مقابل از مصرف مواد خام کشورهای پیشرفته کاسته شده است. کشورهای دسته دوم تاکنون موفق شده اند مصرف سوخت های فسیلی خود را ثابت نگه دارند. در واقع کشورهای صنعتی در ساختار جدید تولید به تدریج رابطه تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده صنعتی خود را با میزان مصرف مواد خام به اشکال مختلف تغییر داده اند. در حالی که در برخی از این کشورها تولید ناخالص ملی و ارزش افزوده تا چند برابر افزایش یافته است، اما در مقابل وابستگی آنها به واردات مواد خام چنین افزایشی را نشان نمی دهد. تعطیلی حجم عظیمی از صنایع انرژی بر و انتقال آنها به مناطقی مثل خاورمیانه ضمن حفظ ظرفیت های تولیدی خود در کاهش وابستگی به جهان در حال توسعه تاثیرگذار بوده است.



شکل ۹: تراکم جمعیت و تراکم اندیشه در کلان شهرهای جهان

www.skyscrapercity.com

۶-۶- جهانی شدن و تخریب محیط زیست کشورهای جنوب

یکی از بارزترین بحران صنایع کلاسیک در غرب، تبعات زیست محیطی فعالیت این صنایع بود. در واقع کشورهای پیشرفته با انتقال صنایع آلاینده به کشورهای در حال توسعه موفق شده اند از تخریب بیشتر محیط زیست کشورهای خود جلوگیری کنند. انتقال و استقرار صنایع در مناطقی مثل خاورمیانه به نوعی انتقال بحران های یاد شده به این کشورها نیز به شمار می رود. کشورهای پیشرفته موفق شده اند میزان تولید آلاینده های حاصل از مصرف سوخت های فسیلی را کنترل کنند. در حالی که تولید میزان سرانه این مواد آلاینده در دهه گذشته در خاورمیانه سریع تر از هر منطقه دیگری رشد یافته است.

۶-۷- جهانی شدن و تشدید رقابت های منطقه ای بین کشورهای در حال توسعه

یکی از دلایل بحران در صنایع کلاسیک غرب بعد از جنگ دوم فقدان بازار کافی برای محصولات تولیدی انبوه این صنایع بود. شرکت های چندملیتی، کارخانه های مزبور را در کشورهای در حال توسعه برای بازارهای در حال حاضر موجود تاسیس می کنند، نه بازارهایی که انتظار می رود به خاطر فعالیت این صنایع به وجود آید. مهم تر اینکه بخش اعظم این بازارها بین المللی است و تقاضای بخش عمده جمعیت جهان در حال توسعه؛ یعنی کارگران، دهقانان و بیکاران نقش کم اهمیتی در جذب محصولات این صنایع دارد؛ بنابراین در تقابل با عملکرد سرمایه داری در کشورهای پیشرفته که با شکل گیری صنایع پیشرو، بازارهای وسیعی نیز برای محصولات خلق می شود، رویکرد صادرات محور کشورهای در حال توسعه هر لحظه با فشار بیشتری از ناحیه رقبای قدیمی و تازه وارد برای رقابت در بازار اشباع شده، مواجه است.

۶-۸- وابستگی مالی و افزایش بدهی ها در کشورهای در حال توسعه

اگرچه درباره بدهی کشورهای جهان در حال توسعه نمی توان متغیرهای مختلف از جمله سیاست های مصرف گرایانه و غلط دولت در این کشورها را نادیده گرفت؛ اما به نظر می رسد که پدیده یاد شده در بستر یک فرآیند پیچیده تر نحوه تعامل این کشورها با ساختارهای پولی- مالی جهانی و در راستای اجرای دستور کار این نهادها قابل فهم است. در واقع بین سنگین شدن بدهی کشورهای در حال توسعه و صنعتی شدن این کشورها در چند دهه اخیر رابطه در هم تنیده ای وجود دارد.

۶-۹- چالش ها و فرصت های جهانی شدن در ایران

جریان مدرنیته و جهانی شدن در جامعه ما منجر به تغییر نحوه زندگی مردم خانواده و فرهنگها، اقتصاد، از هم پاشیدگی ساختار خانواده و در نتیجه تحول در محیط زیست و کالبد مادی زندگی ایرانیان گشته است. تغییرات کالبدی چهره شهرها و خانه ها را با گذر زمان دگرگون ساخته است. تحولات در ساختار شهرها بیشتر در سال های پس از جنگ تحمیلی و طی دوران بازسازی و توسعه اقتصادی روی داده است (حبیبی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۳). افزایش تعداد و وسعت شهرهای بزرگ و کلان شهرهای کشور، افزایش شهرهای کوچک (تبدیل روستاها به شهر)، اثبات نسبی در شهرها بزرگ و جریان واگرایی توسعه کالبدی شهرها و در نتیجه فرصت ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف در نتیجه گذر از سنت به مدرنیته و جهانی شدن به شرح جدول زیر آورده شده است (جدول شماره: ۵).

جدول ۵: گذر از سنت ها به مدرنیته و جهانی شدن، فرصت ها و تهدیدهای پیش روی خانواده و فرهنگها

نقاط قوت Strengths	نقاط ضعف Weaknesses	فرصتها Opportunities	تهدیدها Threats	SWOT وضعیت
محتوا: معماری جهانی Content: World Architecture		زمینه ایجاد: محیط و اجتماع Context: Environment and Society		گذر از سنت، مدرنیته و جهانی شدن در کشور ایران
<ul style="list-style-type: none"> - ریشه های تاریخی - تمدن کهن - فضای جاودانه - بنا جزئی از محیط طبیعی - همزیستی دیدگاههای - بومی و جهانی شدن - معماری متناسب با جهانی شدن - هویت جهانی - منطقه ای - شهرهای جهانی - هوش جمعی 	<ul style="list-style-type: none"> - تقلیدگری بدون منطق - سطحی نگری - ساختمان سازی به جای معماری - بنا به عنوان کالا مصرفی - بحران در هویت های محلی - بومی - بحرانهای زیست محیطی - عدم سازگاری با اقلیم - یکنواختی و عدم تنوع - نفی ارزشها و آثار به جا مانده از گذشته - بحران در حس مکان 	<ul style="list-style-type: none"> - ورود به دنیای نوین - نوآوری - خلق فضاهای جدید - رفاه نسبی اجتماعی - دموکراسی - کاهش فواصل مکانی - صرفه جویی در زمان و افزایش سرعت - حس وحدت (unity) - گفتگوی فرهنگها و تمدنها - هم زمانی و بی زمانی - وحدت در حین کثرت 	<ul style="list-style-type: none"> - بی هنجاری اجتماعی - بی نظمی و آشفتگی - به کارگیری نابخردانه فناوریهای نوین - همانند سازی شکلی نه معماری - توسعه بی رویه و بدون ایجاد زیرساختهای لازم - مشکلات زیست محیطی - تقابل تمدن ها و فرهنگ ها 	

۶-۹-۱- تقلید از معماری مدرن غرب

زمینه تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی کشورها از جمله عواملی هستند که در شکل گیری آثار معماری در عصر جهانی شدن بسیار موثرند، در کشور ایران هم روند مدرن شدن به صورت تقلید از معماری مدرن غرب در جریان است و به گسترش شهرنشینی و تسلط روز افزون ماشین بر زندگی مردم منجر شده است و بسیاری از هنجارهای مناسب زندگی را تحت تاثیر قرار داده و بی هنجاری و ناهنجاری را جایگزین آن کرده است، به عبارتی: شهرنشینی و صنعتی شدن شیوه های سنتی زندگی را ویران کرد و همراه آنها، مفاهیم و ارزش های اخلاقی در باب شایست و ناشایست نیز فرو پاشید. در این شرایط جدید هیچ مجموعه روشن و نوینی از ارزش ها و هنجارها ایجاد نشد. دورکیم^۱ این وضعیت را بی هنجاری^۲ نامید، و مراد از آن شرایط اجتماعی بود که هیچ قاعده عام و روشنی در باب چگونگی زندگی میان مردم وجود نداشت. افراد می کوشیدند تا شیوه زندگی خاص خود را ابداع کرده و در این راه بسیاری فرو پاشیدند (باک، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

شکل (۱۰) منطقه ای از شمال شهر تهران را در دو دوره زمانی نه چندان دور نشان می دهد در تصویر می توان تغییراتی را که در تراکم ساختمانی ایجاد شده نسبت به ساختمان (۱) که در هر دو تصویر دیده می شود مشاهده کرد. در این تصاویر ساختمان های بلند به اشکال مکعبی مدرن (۴) هرمی (۲) و با فرم های متنوع دیگر (۳) دیده می شوند

1- Durkheim
2- anomie

که هر یک نشانگر رویکرد خاص و طراحی ساختمان های بلند و قوانین اعمال شده در دوره زمانی معین بوده است. ارزش افزوده بالای زمین و ساختمان موجب افزایش جاذبه برای سرمایه گذاری در مناطق شمالی تهران شده است و به شکل گیری برج ها و ساختمان های بلند به ویژه با کاربرد مسکونی منجر شده است که به طبقات مرفه جامعه اختصاص دارند. اما میزان تاثیرات این برج ها بر محیط اطرافشان تا چه حد مورد توجه بوده است و اصول ساخت این گونه ساختمان ها تا چه حد رعایت شده است؟ شکل (۱۱)



شکل ۱۰: بافت شهری شمال تهران در فرایند جهانی شدن

www.worldisround.com

اگر یک نگاه سطحی به نوع خانه سازی در گذشته و سنتی با خانه سازی و نوع معماری آن در عصر جدید داشته باشیم در می یابیم که در گذشته عناوینی چون: اندرونی، بیرونی، شرقی و غربی، شمالی، جنوبی، رو به آفتاب و غیره بوده است که در عصر جدید خانه سازی دیگر به آن تعبیر کسی توجهی ندارد یا لاقط کمتر توجه می کنند. امروزه آن تعبیر جای خود را به عناوینی چون: فضای بهینه، مدرنیته یا با اصطلاح عامیانه دارای کلاس است یا نه، داده است که خود این تبدیل اثرات منفی بر اخلاق، روحیه و نوع تفکر افراد می گذارد، لذا ما به مواردی از این تأثیرگذاری منفی اشاره می نمایم:

۱. تحدید حریم خصوصی و فردگرایی
۲. برداشته شدن فاصله ها
۳. جابجایی فضاهای درون خانه



شکل ۱۱: یکسان سازی فرم فیزیکی شهرهای ایران در فرایند جهانی شدن

۱- تحدید حریم خصوصی

یکی از چیزهایی که در معماری باید در نظر گرفت این است که معماری باید با توجه به مناسبات تاریخی، اقلیمی، آئینی و مذهبی شکل گیرد به معنای اینکه نوع خانه‌سازی در کشور اسلامی (ایران) باید متفاوت از کشورهای غربی باشد. اگر اینگونه نباشد شاهد آن خواهیم بود که در هر دوره شکل معماری خانه‌ها تغییر اساسی می‌کند که هیچ همخوانی با فرهنگ ایرانی اسلامی ما ندارد. شایان ذکر است که خانه نه تنها یک محل برای آرمیدن است بلکه یک مکانی است که هویت فردی یا جمعی افراد را تشکیل می‌دهد لذا به خانه می‌گویند حریم خصوصی زیرا در آن حرمت افراد نگه داشته می‌شود. در جوامع غربی مهمترین دغدغه در امر خانه‌سازی شیوه توضیح فضا و تقسیم‌بندی آن برای همه افراد خانواده آن هم بصورت جداگانه (اتاق خصوصی) پذیرایی، اتاق خواب و... اما در فرهنگهایی که ارزش اجتماع گرایانه در آنها بیشتر باشد، مفهوم حریم خصوصی متفاوت است و به خانه با دید حریم و حفظ و صیانت نگاه می‌شود.

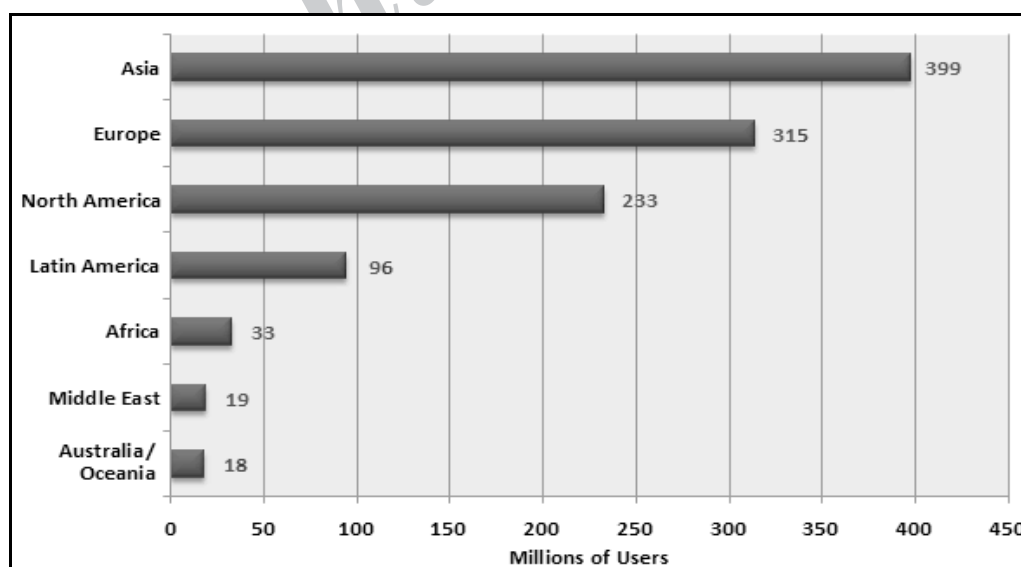
۲- فردگرایی

از دیگر آثار منفی جهانی سازی، فردگرایی و فردی شدن خانه و محیط زندگی می‌باشد. یکی از چیزهایی که در فرهنگ غرب وجود دارد این است که هر فرد به دنبال جدایی‌گزینی می‌باشد به گونه‌ای که افراد یک خانواده در یک خانه از هم جدا زندگی می‌کنند و فقط وقت غذا دور هم جمع می‌شوند. یا در ارتباط همسایگان می‌بینیم که زندگی‌ها فردی شده و همسایه‌ها از هم بی‌خبرند، خصوصاً در زندگی آپارتمان نشینی که همه به فکر خود هستند و کمتر از حال دیگر همسایه‌ها خبردارند.

۳- برداشته شدن فاصله ها

از آثار منفی جهانی سازی این است که خانه و مسکن دیگر کمتر نقش ایجاد فاصله بین خودی و غیره را در فرهنگ دارد. انسان معاصر بیشتر مایل به افشای خود و در معرض دید دیگران قرار داشتن و یک خودنمایی دارد، گویی دیگر چیزی برای مخفی نگه داشتن وجود ندارد لذا می بینیم دیوارهای خانه ها کوتاه یا برداشته می شود و جای خود را به نرده و حصارهای تزئینی می دهد، اتاقهای همه یکسره و باز می شود، آشپزخانه ها این می گردد و اندرونی و بیرونی یکی می شود پنجره ها به بیرون افزایش می یابد حتی تزئین خانه ها مثل شیشه ها آینه ای «رفلکس» می گردد که همه باعث از میان بردن فاصله ها می شود. همچنین می توان چنین گفت در عصر دانش و با ظهور پارادایم جدید اینترنت منبع عظیم قدرت و توانایی است که محدودیتهای مکان و زمان را در عرصه تعلیم و تربیت، اقتصاد، فرهنگ و مرزهای سیاسی در هم شکسته است به طوری که هر روز به طور تقریب بالغ بر یک میلیون صفحه الکترونیکی به صدها میلیون صفحه که فعالند و در دسترس هستند به شبکه های جهانی اضافه می شود. تبدیل سیستمهای آنالوگ به دیجیتال ظرفیت سخت افزارهای الکترونیکی را متحول کرد به طوری که سرعت انتقال داده ها و امواج چندین هزار برابر با نسبت یک هزارم مصرف انرژی افزایش یافت.

بنابراین با توجه به پیشرفت تکنولوژی های جدید و ظهور عصر دانش تعلیم و تربیت از راه دور اهمیت زیادی پیدا کرده و در نهایت به بسط عملکردهای شهری و از بین رفتن فاصله ها و در بطن آن ارتباط شهروندان در نقاط دور دست جهان را موجب شده است. نتیجه روند فوق ظهور پارادایم های جدید و در نتیجه از بین رفتن و برداشته شدن فاصله ها را به دنبال خواهد داشت.



شکل ۱۲: نمودار کشورهای استفاده کنندگان از داده های اینترنتی^۱

1. www.internetworldstats.com, Mar 19, 2007.

۴- جابجایی فضاهای درون خانه

یکی از تأثیرات جهانی سازی اثرگذاری بر نوع معماری درون خانه است. در گذشته اینطور بود که برای هریک از قسمت‌های خانه فکر می‌شد که هر جزء را در کجای ساختمان قرار دهند تا کمترین ضرر و بیشترین سود را داشته باشد به عنوان مثال در معماری سنتی آشپزخانه را در جایی از ساختمان قرار می‌دادند که کدبانو در دید نامحرم نباشد. از طرفی بوی غذا به محیط خانه سرایت نکند و خانم خانه بتواند به راحتی کار خود را انجام دهد ولی امروزه شاهد این هستیم که آشپزخانه در وسط ساختمان و درست در دید نامحرم واقع می‌شود لذا برای چاره این مشکل دست به دامان پرده و جدا کنندهایی از این قبیل می‌شویم. یا به عنوان نمونه در معماری قدیم پست‌ترین جای زمین را به سرویس بهداشتی اختصاص می‌دادند اما در زندگی امروزی بهترین جای ساختمان به عنوان سرویس انتخاب می‌شود که اثرات زیادی بر محیط و روح و روان افراد می‌گذارد.

۷- نتیجه گیری

بنابراینچه گذشت، جهانی شدن سرنوشت محتوم آینده بشریت است. حال پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان از فرصتها و امکانات برآمده از روند جهانی شدن بهره گرفت و با تهدیدهای ناشی از این روند، مواجهه عقلانی و حساب شده انجام داد. به عبارت دیگر چگونه می‌توان به جای رها سازی مهار جهانی شدن، ضمن اتخاذ دیدگاهی راهبردی و عقلانی، به اعمال نفوذ در روند جهانی شدن پرداخت و آن را در مسیر توسعه پایدار هدایت کرد. همانطوری که جهانی شدن پیشرفت کرده، شرایط زندگی به ویژه زمانی که با معیارهای مطلوبی سنجیده می‌شوند در عمل به اندازه کافی در تمامی کشورها پیشرفت کرده است. هر چند بیشترین منافع به کشورهای پیشرفته و برخی کشورهای در حال توسعه تخصیص یافته است. تا آن میزان که شکاف درآمدی بین کشورهای پر درآمد و کشورهای کم درآمد، گسترده تر شده و این موضوع باعث نگرانی گردیده است و تعدادی از شهروندان جهانی در فقر نکبت باری به سر می‌برند که بسیار نگران کننده است. اما این که ما به این نتیجه برسیم که جهانی شدن باعث ایجاد این اختلافات شده و یا این که هیچ کاری نمی‌توان برای تغییر این شرایط انجام داد، اشتباه است. برعکس، علت این که کشورهای کم درآمد نمی‌توانند به سرعت کشورهای دیگر به این همگرایی بپیوندند، برخی به دلیل انتخاب سیاستهای خودشان است و برخی دیگر وجود عواملی است که از کنترل آنها بیرون است. هیچ کشوری، حتی فقیرترین کشورها قادر نخواهند بود که به دور از اقتصاد جهانی باشند و در انزوا باقی بمانند. هر کشوری باید سعی کند که فقر را کاهش بدهد. جامعه بین المللی باید سعی کند با نیرومند کردن سیستم مالی بین المللی از طریق تجارت به فقیرترین کشورها کمک کند تا به اقتصاد جهانی بپیوندند، سریعتر رشد کنند و فقر را کاهش بدهند. این مسیری است که دسترسی همه کشورها به دستاوردهای جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه را تضمین می‌کند. همچنین می‌توان این چنین گفت که اکثر کشورهای در حال توسعه باتوجه به ساختار اجتماعی خود هنوز هم از لحاظ دسترسی به ثروت، خدمات شهری، اشتغال مناسب، وابستگی مالی و افزایش بدهی ها، تشدید رقابت های منطقه ای، تخریب محیط زیست و بالا رفتن مصرف مواد خام از دیگر کشورها جدا شده اند. بنابراین شهرهای

کشورهای در حال توسعه دقیقاً همان مسیری را طی نمی کنند که شهرهای غربی پیموده اند که این پیامدها شکل های شهری منحصر به فردی ساخته است. این پدیده در کشور ایران نیز تأثیراتی را برجای گذاشته است که عم جنبه منفی دارد و هم جنبه مثبت، لذا بر همه لازم است که اثرات منفی این پدیده را بدانیم و از ورود آن به عرصه های زندگی از جمله معماری خانه که جزئی از فرهنگ ما را تشکیل می دهد جلوگیری کنیم همچنین از مهم ترین تبعات جهانی شدن در کشور ایران، بحران هویت می باشد. هر جا که فرد نتواند خود را به هویتی خاص منسوب کند، احساس کمبود یا فقدان می کند و خود را بی هویت می خواند و نهایتاً دشوارتر می تواند میان ذهنیت خود و عینیت های اطراف انطباق ایجاد نماید. در برخورد با این بحران، دو موضع امکان پذیر است: ۱- آن را حل ناشدنی انگاشت و در برابر آن عقب نشینی نمود؛ ۲- آن را حل شدنی انگاشت و در جهت رفع آن اقدام نمود. با پذیرش موضع دوم جستجو برای یافتن شرایط هویت مندی اجتناب ناپذیر به نظر می رسد، از جمله راهکارهایی که برای جلوگیری از بحران هویت فوق در حوزه معماری و طراحی شهری پیشنهاد می شود، افزایش دلبستگی شهروندان به شهر و آگاهی عمومی آنان از محیط شهری از طریق ساماندهی محیط کالبدی می باشد. ساماندهی استخوانبندی شهر فرصتی پدید می آورد که تمام عملکردهای شهری و انواع ارتباطات انسانی در یک شبکه در هم تنیده شده و نزدیک به هم قرار گیرند. در رابطه با تأثیر جهانی شدن بر فرهنگ خانواده ها نیز می توان گفت فرهنگ کلیتی است در هم تافته که شامل «دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات و هرگونه توانایی و عادت است که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می آورد» که با رفتن به سوی جهانی شدن به کلی تغییر یافته و ممکن است جامعه دچار بی هویتی و دوگانگی فرهنگی شود.

منابع

- ۱- بهکش، محمد مهدی، ۱۳۸۱، اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشرنی، تهران.
- ۲- باکاک، رابرت، ۱۳۸۶، صورت بندی فرهنگی جامعه مدرن، ترجمه مهاجر، انتشارات آگاه، تهران.
- ۳- پاک، سوریک، ۱۳۸۳، شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه ناصر محمدی نژاد، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۴- پاتر، رابرت- ایونز. ل، ۱۳۷۶، شهر در جهان در حال توسعه، ترجمه ایراندوست، دهقان احمدی، انتشارات سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور و وزارت کشور، تهران.
- ۵- پیران، پرویز، توسعه برون زا و شهر، مورد ایران، ۱۳۸۷، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره هشت.
- ۶- تامیلنسون، جان، ۱۳۸۱، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۷- حمیدزاده، حسین، ۱۳۸۵، جهان سوم و استعمار، مجله علمی و تحلیلی راوند، شماره ۴۳.
- ۸- حبیبی، محسن، ۱۳۸۵، شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- ۹- دیوید دراکاسیس، اسمیت، ۱۳۸۱، شهرجهان سومی، ترجمه فیروز جمالی، نشر توسعه، تهران.

- ۱۰- رنای شورت، جان و هیون کیم، یونگ، ۱۳۸۴، جهانی شدن و شهر، ترجمه احمدپوراحمد و شایان رستمی، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران.
- ۱۱- سلیمانی، علیرضا، ۱۳۸۶، همایش منطقه ای جهانی شدن و شهر، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، اداره آموزش و پرورش میاندوآب.
- ۱۲- شکویی، حسین، ۱۳۷۲، جغرافیای شهری، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۳- شکویی، حسین، ۱۳۷۲، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی، تبریز.
- ۱۴- شکویی، حسین، ۱۳۷۹، دیدگاه های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۵- کاظمی، علی اصغر، ۱۳۸۰، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، نشر قومس، تهران.
- ۱۶- مهرعلی زاده، یداله، ۱۳۸۵، جهانی شدن جهان سوم فرصتها و تهدیدها، فصل نامه مدیریت و توسعه، شماره هجدهم.
- ۱۷- نصیری، محمد، ۱۳۸۶، جهانی شدن و خانواده، مجله پیوند، انجمن اولیا و مربیان، فروردین و اردیبهشت ماه.
- ۱۸- نظریان، اصغر، ۱۳۷۲، جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- 19-Brunn and William, 1991, "Cities of the world" world regional urban development", Newyork: harper & ROW.
- 20-Chasteland, J.C., J.C. Chesnais (Eds.), 1997, La population du monde: enjoin et problems. Paris: Presses Universities de France.
- 21-Gills, Dong- Sook, 2002, Economic globalization and women in Asia: Challenges and responses, London, Routledge, UNESCAP.
- 22-Lucas, Manuela, 2004, how can we make globalization work for sustainable development, Afrique PALOP: Developpement ET mondialisation seminaire-University Libre de Bruxelles 1-2 mars.
- 23-Pearce 11, John A. and Richard B. Robinson, 2011, Strategic management, McGraw Hill International Edition, Singapore.
- 24-Simon, D., 1989, "Colonial cities: post-colonial Africa and the world economy": a reinterpretation, International Journal of Urban and Regional Research.
- 25-<http://en.wikipedia.org>.
- 26-www.worldisround.com.